ضرورت تنظیم و تدوین منشور اخلاقی مبارزه برای دوران گذار

حنیف حیدرنژاد

مهر ۱۴۰۵/ سپتامبر ۲۰۲۶

از درون متن

ایرانیان – مانند مردم همه کشورهای دیگر – با هم در زمینه مسائل سیاسی، اختلاف های جدی دارند. اختلاف به خودی خود امری عجیب یا غیر عادی نیست، چگونگی برخورد با آن است که اهمیت دارد. این اختلافات میان ایرانیان، شهروندان و نیروهای سیاسی، روزانه در حجمی زیاد، اغلب در رسانه‌ها و به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب پیدا می‌کند.

این مشکلات ریشه‌های سیاسی، تاریخی و ایدئولوژیک دارند و بخش نسبتاً گسترده‌ای از بدنه اجتماعی، فعالان رسانه‌ای و نیروهای سیاسی را دربرمی‌گیرد. این اختلافات بخش قابل توجهی از محتوای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی - و از طریق آنها -، ذهن و افکار عمومی را نیز درگیر کرده است.

این اختلافات به دلیل طولانی و مزمن شدن، در مواردی با عصبانیت، پرخاشگری، خشم و خشونت کلامی و رفتاری همراه هستند. در برخی موارد، کینه‌توزی، نفرت و حتی انگیزه‌های شخصی برای انتقام نیز به آنها اضافه شده است.

اگر توافق سیاسی میان نیروهای مختلف در شرایط کنونی واقع‌بینانه نیست، شاید بتوان به جای تلاش برای توافق بر سر آنچه باید باشد، بر سر حداقل‌هایی درباره آنچه نباید انجام شود توافق کرد. قرار نیست اختلاف سیاسی حل شود؛ قرار است برای نحوه مواجهه با اختلاف، حداقل‌های اخلاقی و دموکراتیک ایجاد شود.

ممکن است نتوانیم بر سر آینده ایران، شکل حکومت و محتوای آن یا بسیاری از مسائل بنیادین با یکدیگر توافق کنیم، اما شاید بتوانیم بر سر این موضوع توافق کنیم که در جریان این اختلافات نباید به یکدیگر توهین کنیم، دروغ و اتهام بی‌اساس منتشر کنیم، یکدیگر را تهدید کنیم، خواهان حذف فیزیکی یکدیگر شویم یا برای مخالف سیاسی خود از روش‌های خشونت‌آمیز استفاده کنیم.

در چنین وضعیتی می‌توان با تنظیم و تدوین یک «منشور اخلاقی» برای دوران گذار، بر سر مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های حداقلی توافق کرد؛ اصولی که شهروندان، با وجود اختلافات عمیق سیاسی و فکری، رعایت آنها را برای خود و دیگران ضروری بدانند.

من به عنوان یک جمهوری‌خواه از آقای رضا پهلوی و از نقش او به عنوان «رهبر انقلاب ملی برای دوران گذار» حمایت می‌کنم. از آنجا که بخش بزرگی از ایرانیان داخل و خارج کشور از ایشان حمایت کرده و مورد اعتماد آنهاست، باور دارم اگر ایشان کمیته‌ای را برای بحث و تدوین یک منشور اخلاقی تشکیل دهد، می‌تواند به شکل‌گیری یک چارچوب روشن برای رفتار سیاسی و اجتماعیِ شهروندان، بویژه فعالین رسانه ای کمک کند.

کنترل و مهار رفتارهای افراطی در هر بخشی، خودبه‌خود از شدت و دامنه اختلافات در کل فضای مبارزه خواهد کاست و تمرکز بر روی مبارزه با رژیم حاکم را افزایش خواهد داد.

حنیف حیدرنژاد (قهرمان حیدری)

ضرورت تنظیم و تدوین منشور اخلاقی مبارزه ـ برای دوران گذار

حنیف حیدرنژاد

طرح مشکل

(۱

در هر کشور و نظام حکومتی که بر اساس اصول دموکراتیک و حاکمیت قانون اداره می‌شود، ارزش‌های بنیادین از طریق قوانین و مقررات تعریف شده و از طریق آموزش و در یک فرایند زمانی، در جامعه نهادینه می‌شوند.

تخلفات احتمالی و هرگونه مخالفت یا ضدیت با این اصول و ارزش‌ها نیز در قوانین مختلف تعریف شده و راهکارهای قانونی مشخصی برای برخورد با آنها پیش‌بینی می‌شود.

همچنین، از طریق سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در قانون، نهادهای قانونی و قضایی مشخصی ـ از جمله عالی‌ترین مرجع قضایی ـ تعیین می‌شوند تا در صورت بروز اختلاف درباره مغایرت یک عمل، تصمیم یا مصوبه با قانون اساسی و اصول و ارزش‌های بنیادینی که نظام سیاسی بر آنها استوار است، موضوع را بررسی و درباره آن تصمیم‌گیری کنند.

(۲

مردم ایران از زمان تأسیس جمهوری اسلامی، مبارزه با این نظام را در ابعاد و اشکال مختلف آغاز کرده و ادامه داده‌اند.

این مبارزه در دوره‌های مختلف، شکل‌های متفاوتی داشته است. بخشی از آن را مردم و شهروندان و بخش دیگری را نهادهای مختلف جامعه مدنی، رسانه‌ها، احزاب، سازمان‌ها و نیروهای سیاسی پیش برده‌اند.

بخشی از این مبارزه در داخل ایران و بخش دیگری در خارج از کشور و در کشورهای مختلف جریان داشته است.

اکثریت بزرگی از ایرانیانِ مخالف جمهوری اسلامی، با وجود تفاوت‌های جدی در دیدگاه‌های سیاسی، خواهان گذار از این حکومت و استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک هستند.

با این حال، درباره شکل و محتوای نظام سیاسی ایران پس از جمهوری اسلامی، میان شهروندان و نیروهای سیاسی مختلف اختلاف نظرهای جدی وجود دارد.

این اختلاف نظرها در پاره‌ای موارد بر سر اصول بنیادین است؛ از جمله شکل و محتوای حکومت، نحوه توزیع و تقسیم قدرت، میزان مشارکت مردم، نهادها و ابزارهای نظارت و کنترل قدرت، تعریف و تفسیر منافع ملی و همچنین سیاست خارجی. در برخی موارد، این اختلافات همکاری میان نیروهای سیاسی مختلف را دشوار یا حتی عملاً ناممکن می‌کند.

اختلافات موجود میان ایرانیان، شهروندان و نیروهای سیاسی، روزانه در حجمی زیاد، اغلب در رسانه‌ها و به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب پیدا می‌کند.

بخشی از این اختلافات در قالب نقد و تحلیل سازنده بیان می‌شود. اما بخش دیگری به شکل پرخاشگری، خشونت کلامی، تخریب و حمله شخصی، اتهام‌زنی، توهین، فحاشی، مسخره کردن و حتی تهدید به خشونت فیزیکی یا مرگ بروز پیدا می‌کند. بخشی از این رفتارها نیز با استفاده از نام‌ها و حساب‌های کاربری ناشناس انجام می‌شود.

به دلیل پراکندگی ایرانیان در کشورهای مختلف و با توجه به تفاوت قوانین کشورها در زمینه تخلفات رسانه‌ای، تهدید، اتهام‌زنی و تعرض به حریم خصوصی، و همچنین هزینه‌بَر و زمان‌بَر بودن فرایندهای قانونی برای اثبات چنین مواردی، کنترل و مقابله با این وضعیت در عمل بسیار دشوار است.

برخی نیروهای سیاسی نیز با تولید و انتشار شعار، تصویر، ویدئو یا اسناد دستکاری‌شده ــ که با گسترش ابزارهای هوش مصنوعی تولید آنها ساده‌تر و عمومی‌تر شده است ــ به شکل سازمان‌یافته به این اختلافات دامن می‌زنند.

در کنار حملات و درگیری‌های میان ایرانیان با گرایش‌های سیاسی مختلف، «لشکر سایبری» جمهوری اسلامی نیز با تولید و انتشار موضوعات و ادعاهای بی‌پایه و ایجاد حاشیه‌های جدید، به اختلاف‌افکنی و تشدید درگیری‌ها کمک می‌کند.

اختلافات و درگیری‌های موجود میان ایرانیان با گرایش‌های سیاسی مختلف، بخش قابل توجهی از انرژی آنان را از مبارزه با جمهوری اسلامی منحرف کرده است. پیامد عملی این وضعیت می‌تواند فرسایش نیروها، کاهش انگیزه بخشی از افراد برای فعالیت سیاسی و افزایش هزینه و طولانی‌تر شدن فرایند مبارزه باشد.

۳)

در سال‌های اخیر، به‌ویژه از زمانی که آقای رضا پهلوی «رهبری انقلاب ملی ایران» را پذیرفت و همچنین پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ و فراخوان او برای حضور مردم در خیابان در داخل کشور، شدت اختلافات و درگیری‌های کلامی و رفتاری میان ایرانیان با گرایش‌های سیاسی مختلف افزایش یافته است. همچنین، پس از برگزاری تجمع‌های بزرگ ایرانیان در کشورهای مختلف، از جمله تجمع‌هایی که در حمایت از رضا پهلوی برگزار شد، این اختلافات و درگیری ها تشدید گشته و در برخی کشورها به طرح شکایت و رسیدگی قضایی نیز انجامیده است.

این اختلافات را می‌توان به لحاظ موضوعی در محورهای مختلفی دسته‌بندی کرد؛ از جمله:

- موافقان و مخالفان رضا پهلوی؛
- موافقان و مخالفان انقلاب ۱۳۵۷؛
- موافقان و مخالفان اسلام و اسلام سیاسی؛
- موافقان و مخالفان حمله نظامی اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی؛
- موافقان و مخالفان حماس و موضوع فلسطین/غزه؛
- موافقان و مخالفان «جبهه مقاومت» و گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی؛
- موافقان و مخالفان فرهنگ و تمدن غرب و دیدگاه‌های مرتبط با سلطه‌گری و پُست‌مدرنیسم.

البته این اختلافات را می‌توان از منظر نظری و بر اساس شاخص‌های دقیق‌تری نیز دسته‌بندی کرد. هدف در اینجا اما صرفاً نشان دادن بخشی از اختلافاتی است که در فضای عمومی میان ایرانیان وجود دارد و به شکل‌های مختلف، خود را نشان می‌دهد.

پذیرش واقعیت آنگونه که هست

پیش از هرگونه تحلیل درباره مشکلات و اختلافات سیاسی میان ایرانیان، باید این وضعیت را همان‌گونه که هست دید و پذیرفت. «پذیرفتن» در اینجا به معنای تأیید کردن نیست؛ بلکه به معنای به رسمیت شناختن واقعیت موجود و تلاش برای فهم آن است.

واقعیت این است که ایرانیان – مانند مردم همه کشورهای دیگر – با هم در زمینه مسائل سیاسی، اختلاف های جدی دارند. اختلاف به خودی خود امری عجیب یا غیر عادی نیست، چگونگی برخورد با آن است که اهمیت دارد.

این مشکلات ریشه‌های سیاسی، تاریخی و ایدئولوژیک دارند و بخش نسبتاً گسترده‌ای از بدنه اجتماعی، فعالان رسانه‌ای و نیروهای سیاسی را دربرمی‌گیرد.

این اختلافات بخش قابل توجهی از محتوای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی - و از طریق آنها -، ذهن و افکار عمومی را نیز درگیر کرده است.

این اختلافات به دلیل طولانی و مزمن شدن، در مواردی با عصبانیت، پرخاشگری، خشم و خشونت کلامی و رفتاری همراه هستند.

در برخی موارد، کینه‌توزی، نفرت و حتی انگیزه‌های شخصی برای انتقام نیز به آنها اضافه شده است.

در مواردی نیز این وضعیت با تهدید و حتی با ابراز تمایل یا نیت برای آسیب‌رسانی جسمی یا حذف فیزیکی افراد همراه است.

به‌صورت واقع‌بینانه، دست‌کم در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت، نمی‌توان انتظار داشت که برای همه این اختلافات، یا کنترل آنها، به‌ویژه در خارج از ایران، راهکارهای قانونی مؤثر و فوری وجود داشته باشد.

تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که اگرچه آگاهی‌رسانی و روشنگری در این زمینه لازم و مفید بوده و باید ادامه پیدا کند، اما به‌تنهایی نتوانسته است از حجم و شدت این اختلافات به شکل محسوسی بکاهد.

از آنجا که بخش مهمی از این اختلافات ریشه های تاریخی و ماهیتی سیاسی و ایدئولوژیک دارد، دستیابی به توافق سیاسی در سطح شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی مختلف - و از طریق آن -، کنترل این اختلافات دشوار است.

فرهنگ سیاسی دموکراتیک برای حل اختلافات، در میان بخشی از جامعه، فعالان سیاسی و مدنی و همچنین شخصیت‌ها و رهبران سیاسی، هنوز به اندازه کافی نهادینه نشده است؛ یا در مواردی اراده لازم برای رعایت و اجرای آن وجود ندارد.

توصیه‌های اخلاقی و موضع‌گیری‌های سیاسی نیز، دست‌کم در شکل‌هایی که تاکنون تجربه شده‌اند، برای حل ریشه‌ای این اختلافات کافی نبوده‌اند. برای مثال، آقای رضا پهلوی در موارد مختلف رفتارهای افراطی یا متعصبانه بخشی از هواداران خود را محکوم کرده و نسبت به آنها «اعلام برائت» کرده است؛ با این حال، این موضع‌گیری‌ها به‌تنهایی به تغییر محسوسی در این رفتارها منجر نشده است.

اهمیت و ضرورت موضوع

حل این مشکل پیش از تغییر نظام سیاسی و در دوران گذار، از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند بخشی از انرژی ایرانیان را که صرف اختلاف و درگیری با یکدیگر می‌شود، به شکل مؤثرتری بر مبارزه سیاسی متمرکز کند.

کاهش سطح اختلافات مخرب و افزایش ظرفیت گفت‌وگو و رواداری می‌تواند به مبارزان و شهروندانی که تاکنون در حاشیه مانده‌اند امید بیشتری بدهد و زمینه مشارکت بخش بزرگ‌تری از جامعه را در فعالیت سیاسی و مدنی فراهم کند.

هرچه در دوره پیش از تغییر نظام، فرهنگ و مهارت‌های حل اختلاف و همزیستی سیاسی به مردم آموزش داده شود و در عمل مورد استفاده قرار گیرد، می‌توان انتظار داشت که در مراحل پایانی دوران گذار و دوره بلافاصله پس از تغییر نظام ــ زمانی که احتمالاً فضای احساسی و هیجانی و همچنین احساس خشم، نفرت و میل به انتقام افزایش خواهد یافت ــ ظرفیت جامعه برای کنترل این چالش‌ها بیشتر باشد.

چه می‌توان کرد و با چه ابزار یا مکانیزمی؟

برای درک بهتر این موضوع، ابتدا به یک مثال ساده توجه کنیم:

روزانه میلیون‌ها نفر در کشورهای مختلف و شهرهای گوناگون، پیاده یا با خودروهای مختلف در حال رفت‌وآمد هستند.

این افراد افکار، عقاید و نظرات متفاوتی درباره مسائل روز، مسائل سیاسی و اجتماعی، دین و باورهای مذهبی یا سبک زندگی دارند. بسیاری از آنها شاید هیچگاه حاضر نباشند در شرایطی فرضی در کنار یکدیگر بنشینند و با هم وقت بگذرانند یا حتی گفت‌وگویی عادی داشته باشند؛ به این دلیل ساده که تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند یا در دیگری جذابیتی نمی‌بینند و احساس نمی‌کنند وجه مشترکی با او دارند.

با وجود این تفاوت‌ها، همه این افراد هنگام رفت‌وآمد در پیاده‌روها، عبور از خیابان یا رانندگی، مقرراتی را رعایت می‌کنند که آزادی و امنیت و حریم دیگران را تا حد زیادی تضمین کرده و مانع برخورد و تصادف می‌شود.

راننده‌ای که در کشوری مانند بریتانیا یا استرالیا از سمت چپ رانندگی می‌کند، هنگامی که وارد کشوری با مقررات متفاوت می‌شود، نمی‌تواند بگوید «در کشور ما قانون چیز دیگری است»؛ بلکه باید خود را با مقررات محل جدید منطبق کند.

خطکشی‌های خیابان، چراغ‌های راهنمایی و رانندگی و انبوه علائم و مقررات، با هدف ایجاد مانع برای رانندگان، دوچرخه‌سواران یا عابران پیاده ایجاد نشده‌اند؛ بلکه هدف آنها تسهیل رفت‌وآمد، تنظیم سرعت، جلوگیری از برخوردهای ناخواسته و افزایش امنیت همه است.

آموزش رانندگی نیز پیش از آغاز رانندگی، به افراد کمک می‌کند تا زبان مشترکی برای رعایت مقررات و حفظ امنیت یکدیگر داشته باشند. مقررات رانندگی، علاوه بر آگاهی و آموزش، برای هر فرد «مسئولیت» ایجاد می‌کنند. نقض این مسئولیت می‌تواند پیامد داشته باشد؛ از جریمه‌های مالی گرفته تا در موارد جدی یا تکرار تخلف، لغو گواهینامه. در مواردی که تخلف به سلامت و جان انسان‌ها مربوط شود، مجازات‌های سنگین‌تری نیز در قوانین پیش‌بینی شده اند.

مقررات رانندگی برای افراد با ملیت‌ها، زبان ها، جنسیت‌ها، ادیان، پیشینه‌های شغلی و تحصیلی و ویژگی‌های جسمی متفاوت، چارچوب مشترکی ایجاد می‌کند تا بتوانند بدون ترس و نگرانی و بدون آنکه در هر موقعیت مجبور باشند مقررات را بر اساس تفسیر شخصی خود تعیین کنند، در کنار یکدیگر رفت‌وآمد کنند.

این مثال می‌تواند الگویی برای تنظیم رابطه میان انسان‌ها و مدیریت اختلافات میان آنها باشد.

می‌توان با تنظیم و تدوین یک «منشور اخلاقی» برای دوران گذار، بر سر مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های حداقلی توافق کرد؛ اصولی که شهروندان، با وجود اختلافات عمیق سیاسی و فکری، رعایت آنها را برای خود و دیگران ضروری بدانند.

در مثال رانندگی، ضمانت اجرای مقررات از طریق نهادهای قانونی و اجرایی و در نهایت، توسط پلیس انجام می‌شود. پلیس نیز می‌تواند از ابزارهای مختلف نظارت و کنترل استفاده کند.

اما در مورد اختلافات سیاسی میان ایرانیان و رفتارهایی که باید از آنها پرهیز شود، موضوع متفاوت است. در اینجا ضمانت اصلیِ اجرای منشور، نه پلیس و نهاد قضایی، بلکه آگاهی شهروندی، احساس مسئولیت جمعی و تعهد اخلاقی است. سخن از خودتنظیمی اخلاقی و اجتماعی است.

این تعهد اخلاقی به معنای بالاتر قرار دادن منافع عمومی و منافع ملی بر منافع شخصی، سازمانی یا ایدئولوژیک است؛ تعهدی که کنترل بیرونی آن دشوار است و رعایت آن بیش از هر چیز به وجدان فردی و احساس مسئولیت هر شهروند وابسته است.

هر فرد باید درک کند که عدم پایبندی به این اصول می‌تواند به منافع جمعی آسیب بزند و مبارزه برای تغییر نظام سیاسی را دشوارتر و پرهزینه‌تر کند؛ هزینه‌ای که در نهایت می‌تواند رنج و درد بیشتری را متوجه مردم کند.

در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که احساس مسئولیت فردی و جمعی، افراد را وادار کند پیش از هر سخن یا رفتار، درباره پیامدهای آن بیشتر بیندیشند.

این درجه از مسئولیت‌پذیری فردی و ملی همچنین می‌تواند به شهروندان کمک کند که در برابر رفتارهای افراطی و متعصبانه دیگران بی‌تفاوت نباشند و در صورت لزوم از چنین رفتارهایی فاصله بگیرند. در چنین حالتی، دامنه اجتماعی رفتارهای افراطی می‌تواند به‌تدریج محدود و اثرگذاری آنها بر افکار عمومی کمتر شود.

طرح پیشنهادی

قدم اول: تشکیل کارگروه یا کمیته تخصصی

حالت مطلوب آن است که تعدادی از شخصیت‌ها و صاحب‌نظران با گرایش‌های فکری و سیاسی مختلف، که با مشکلات مطرح‌شده در این متن آشنا هستند، در قالب یک کارگروه یا کمیته گِرد هم آیند و پس از بحث و تبادل نظر، اصول و ارزش‌های منشور اخلاقی را تدوین کنند.

اعضای این کارگروه باید تا حد امکان از وابستگی و جانبداری ایدئولوژیک و سازمانی فاصله داشته و به دلیل آزاداندیشی، تسامح، رواداری و تحمل مخالفِ فکری، شناخته شده باشند.

متن نهایی باید کاربردی، ساده و روان باشد؛ به‌گونه‌ای که شهروندان بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و در زندگی روزمره و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای خود از آن استفاده کنند و رفتار خود و دیگران را با معیارهای آن بسنجند.

اصول منشور باید تا حد امکان روشن و دقیق باشند تا از برداشت‌های کاملاً شخصی و متناقض از آنها جلوگیری شود.

قدم دوم: تدوین اصول و ارزش‌های پیشنهادی

دفاع و پایبندی به اصول حقوق بشر، ارزش‌های دموکراتیک، آزادی‌های فردی، سیاسی و اجتماعی و حاکمیت قانون، باید مبنای کلی منشور باشد.

این اصول و ارزش‌ها را می‌توان برای استفاده روزمره به شکل زیر ساده و کاربُردی کرد:

الف) رفتارها و رویکردهایی که باید از آنها خودداری کرد

- خودداری از تولید یا انتشار دروغ، شایعه و اتهام‌های بی‌پایه و اساس علیه اشخاص حقیقی یا حقوقی. پیش از انتشار ادعاهای آسیب‌زا درباره اشخاص، مسئولیت بررسی صحت آنها بر عهده منتشرکننده است.
- خودداری از نیرنگ، فریب و دستکاری عامدانه افکار عمومی.
- خودداری از تملق، چاپلوسی و رفتارهایی که افراد یا شخصیت‌ها را فراتر از نقد و پاسخگویی قرار می‌دهد.
- خودداری از هرگونه رفتار تقدس‌گرایانه، متعصبانه و افراطی در حمایت یا مخالفت با اشخاص، باورها، احزاب و جریان‌های فکری و سیاسی.
- خودداری از فحاشی، پرخاشگری و تهدید کلامی یا خشونت فیزیکی علیه اشخاص حقیقی یا حقوقی.
- خودداری از هرگونه توهین، تحقیر، تمسخر یا سخن و رفتاری که کرامت انسانی دیگران را پایمال کند.
- خودداری از هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز و نیز خودداری از توجیه، عادی‌سازی یا حمایت از تبعیض.

- خودداری از تخریب و ترور شخصیت مخالفان فکری- سیاسی.
- خودداری از هرگونه شعار، سخن یا رفتاری که تنفر، شکنجه، انتقام کور، کشتن، نابودی یا حذف فیزیکی انسان‌ها را طلب، توجیه یا مجاز بداند.
- خودداری از تصمیم‌گیری‌های هیجانی و احساسی، به‌ویژه هنگامی که تحت تأثیر تعصب یا فشار جمعی قرار دارد.
- خودداری از قضاوت کردن انسان ها، دیدن و پذیرفتن آنها، آنگونه که هستند. پذیرفتن به معنای تأیید نیست.
- خودداری از انتقام‌جویی سیاسی و شخصی و مخالفت با مجازات افراد صرفاً به دلیل وابستگی سیاسی، فکری یا سازمانی آنان؛ مسئولیت هر فرد باید بر اساس رفتار و عمل مشخص او و در چارچوب قانون تعیین شود.
- خودداری و دوری گزینی از مشارکت، همراهی یا حضور فعال در جمع‌های حقیقی یا مجازی در صورتی که این حضور به معنای تأیید یا توجیه رفتارهای فوق باشد.

ب) رفتارها و ارزش‌هایی که باید تقویت و تشویق شوند

- تقویت نگاه نقادانه و سنجش‌گرانه در برخورد با اخبار و ادعاهای مختلف درباره اشخاص حقیقی یا حقوقی. باید از خود پرسید: این ادعا تا چه اندازه با عقل و منطق سازگار است؟ منبع آن چیست؟ آیا منبع موثق دیگری آن را تأیید کرده است؟
- تقویت فرهنگ راستی‌آزمایی. هیچ خبر، ادعا یا اتهامی نباید صرفاً به دلیل سازگاری با باورهای شخصی پذیرفته شود. حتی درباره اسناد و شواهد نیز باید بررسی کرد که تا چه اندازه معتبر، منطقی، باورپذیر و قابل اتکا هستند.
- برخورد مؤدبانه، محترمانه و انسانی با دیگران، حتی با مخالفان فکری و سیاسی.
- تقویت روحیه بردباری و توانایی شنیدن دیدگاه دیگران و پذیرفتن حضور آنان، آنگونه که هستند. پذیرفتن به معنای تأیید نیست.
- احترام به سبک زندگی دیگران، آنگونه که خود برای زندگی‌شان مناسب می‌دانند؛ و خودداری از دخالت در زندگی خصوصی دیگران یا تعیین باید و نباید برای آنان.
- تقویت صراحت در بیان نظر و عقیده، شجاعت در ابراز دیدگاه و خودداری از خودسانسوری؛ و در عین حال، خودداری از تشویق یا وادار کردن دیگران به خودسانسوری.
- تقویت روحیه مصالحه‌جویی، آمادگی برای کوتاه آمدن از برخی خواسته‌ها و تلاش برای یافتن زمینه‌های توافق با طرف مقابل.
- احترام به توافقات دو یا چندجانبه و پایبندی به تعهداتی که به‌صورت روشن پذیرفته شده‌اند.
- تقویت فرهنگ پذیرش مسئولیت در قبال سخنان و رفتارهای خود و پاسخگوئی در قبال پیامدهای آنها.
- تقویت فرهنگ عذرخواهی و اصلاح رفتار در مواردی که فرد متوجه شود سخن یا رفتار او نادرست یا آسیب‌زا بوده است.
- تقویت فرهنگ نقدِ رفتار و عملکرد به جای حمله به هویت، تخریب شخصیت یا حمله به ویژگی‌های فردی انسان‌ها.

توضیح پایانی

۱. اصول و ارزش‌های اخلاقی فوق می‌توانند در آینده اصلاح، تکمیل و یا بر اساس تجربه عملی بازبینی شوند. این منشور نباید متنی بسته و غیرقابل تغییر تلقی شود.

۲. اگر میان شهروندان و نیروهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای بر سر مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های حداقلی توافق ایجاد شود و پایبندی به آنها به‌طور مستمر مورد تأکید قرار گیرد، می‌توان امیدوار بود که به‌تدریج یک فرهنگ سیاسی و اجتماعی جدید شکل بگیرد.

۳. هدف از طرح این پیشنهاد، ایجاد یک تعهد اخلاقی و داوطلبانه برای تنظیم رفتار سیاسی و اجتماعی و ایجاد زمینه‌ای برای گفت‌وگو درباره تعیین حداقل‌های اخلاقی در نحوه رفتار با یکدیگر است؛ این منشور در پی فراهم کردن بستری ذهنی است تا حتی اگر بر سر بسیاری از مسائل سیاسی و ایدئولوژیک توافقی وجود نداشته باشد، بتوان درباره شیوه رفتار با مخالف سیاسی گفت‌وگو کرد.

۴. اگر توافق سیاسی میان نیروهای مختلف در شرایط کنونی واقع‌بینانه نیست، شاید بتوان به جای تلاش برای توافق بر سر آنچه باید باشد، بر سر حداقل‌هایی درباره آنچه نباید انجام شود توافق کرد. قرار نیست اختلاف سیاسی حل شود؛ قرار است برای نحوه مواجهه با اختلاف، حداقل‌های اخلاقی و دموکراتیک ایجاد شود.

۵. ممکن است نتوانیم بر سر آینده ایران، شکل حکومت و محتوای آن یا بسیاری از مسائل بنیادین با یکدیگر توافق کنیم، اما شاید بتوانیم بر سر این موضوع توافق کنیم که در جریان این اختلافات نباید به یکدیگر توهین کنیم، دروغ و اتهام بی‌اساس منتشر کنیم، یکدیگر را تهدید کنیم، خواهان حذف فیزیکی یکدیگر شویم یا برای مخالف سیاسی خود از روش‌های خشونت‌آمیز استفاده کنیم.

******

پیشنهاد برای اجرای عملی طرح

من به عنوان یک جمهوری‌خواه از آقای رضا پهلوی و از نقش او به عنوان «رهبر انقلاب ملی برای دوران گذار» حمایت می‌کنم. از آنجا که بخش بزرگی از ایرانیان داخل و خارج کشور از ایشان حمایت کرده و مورد اعتماد آنهاست، باور دارم اگر ایشان کمیته‌ای را برای بحث و تدوین یک منشور اخلاقی تشکیل دهد، می‌تواند به شکل‌گیری یک چارچوب روشن برای رفتار سیاسی و اجتماعیِ شهروندان، بویژه فعالین رسانه ای کمک کند. کنترل و مهار رفتارهای افراطی در هر بخشی، خودبه‌خود از شدت و دامنه اختلافات در کل فضای مبارزه خواهد کاست.

چنین منشوری، در صورت برخورداری از اعتبار و پذیرش عمومی، می‌تواند در اختیار شهروندان قرار گیرد تا معیارهایی روشن برای سنجش رفتار سیاسی و اجتماعی فراهم گشته و زمینه‌ای برای تشخیص و اصلاح رفتارهای افراطی و متعصبانه ایجاد کند.

این طرح پیشنهادی از طریق ایمیل برای دفتر آقای رضا پهلوی ارسال خواهد شد.